

نمادپردازی در
 تزیینات هنر اسلامی
منار جام
 نماد ایستادگی هنر در
 آشوب‌های زمانه

محمد دشتی





اشاره

هنر تنها ابزاری است که می‌تواند به مصاف آشوب و جنگ برود، در میانه میدان، بر بلندای رفیع پیروزی بایستد و مشعل امید را برای انسان‌های پراکنده در عالم سرگشتگی و ناامیدی روشن نگه دارد؛ کارکردی که تنها در جوهر و گوهر هنر نهفته است. مردم یک بوم و حتی نمادهای هنری آن توانایی این را دارند که نیم‌قرن جنگ و خون‌ریزی و بی‌خانمانی را تاب آورند و چون مشعلی فروزان، صلح را به انسان‌های صادق و صالح و امیدوار نوید دهند.

سال‌هاست سایه شوم پرندۀ جنگ بر سر کشور تاریخی افغانستان در پرواز است؛ جنگی که از درگیری‌های داخلی آغاز شده و با دخالت دو ابرقدرت شرق و غرب آن کشور را رو به ویرانی برده است. امروز نیز با حضور گروه‌های افراطی و جنگ‌طلب هنوز ساکنان مظلوم افغانستان طعم جنگ را می‌چشند.

این کشور ستم‌دیده در چنین شرایط سختی شگفت‌انگیز نیز هست. به‌رغم اینکه مجسمه‌های عظیم بودای آن را طالبان در ایالت بامیان فروریخته‌اند، منار جام که یکی از تماشایی‌ترین بناهای تاریخی افغانستان و پس از قطب منار در دهلی بلندترین منار آجری جهان است، هنوز پابرجاست و برای نجات سرزمینش دست دعا به سوی آسمان دارد.

پدیده‌های شگفت‌انگیز و منحصر به فرد که در میان این آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی، برجای ایستاده و نظر نازک‌اندیشان و هنرمندان هنرشناس ایرانی و خارجی را به خود جلب کرده است.

در همین ارتباط، گروه باستان‌شناسی و هنر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری در روز پنج‌شنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۹۵ یک جلسه سخنرانی با عنوان: «نمادپردازی در تزیینات هنر اسلامی (نمونه موردی: منار جام) را برگزار کرد.

در این جلسه که با حضور دانشجویان، علاقه‌مندان به هنر معماری و دیگر مدعوین برگزار شد، دکتر محمد خزایی دانشیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس نتایج و خلاصه یافته‌ها و بررسی‌های پژوهشی خود را درباره منار جام بیان کرد و در پایان نیز درباره این نماد هنری منحصر به فرد، بحث و گفت‌وگو شد. به دلیل اهمیت این اثر تاریخی و ضرورت اشاره به دلالت‌های تاریخی مبتنی بر جایگاه و قدمت منار جام، در ادامه ابتدا سابقه تاریخی منار جام بنا بر برخی منابع مکتوب مرور می‌شود و سپس، گزارش دکتر خزایی ارائه می‌گردد که در آن جلسه مورد توجه حاضران و مدعوین قرار گرفت.



عامل راهنما در کنار شاهراه‌ها و مسیرهای بیابانی و جنگلی برشمرده است که در دوره‌های بعد به مقبره بانی آن یا بزرگان تبدیل شده و یا در پی واقعه‌های خوب یا بد، عملکردی جدید یافته است. کیانی نیز مناره یا منار را به معنای جای نور و بنایی بلند و کشیده دانسته است که عموماً در کمتر بناهای مذهبی مانند مدارس، مساجد و مقبره‌ها ساخته می‌شدند» (حیدری، ۱۳۸۷).

منار جام و سابقه تاریخی آن

مهدی روشن‌ضمیر در سال ۱۳۵۷ شمسی، در

منار و معنای آن

محمد مهدی حیدری، کارشناس ارشد معماری، در مقاله‌ای با عنوان «جستاری در باب منار» که در مجله هنر و معماری نگاشته است، می‌نویسد: «... منار به مفهوم امروزی و متعارف آن بنایی است مرتفع با پلان عمدتاً مدور. این عنصر که در میان مردم امروز به‌عنوان مأذنه، یکی از نمادهای معروف بناهای مذهبی شناخته می‌شود، از دیرباز در معماری و شهرسازی ایران وجود داشته و بخش مهمی از خاطره جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد ... استاد پیرنیا، منار را در ریشه به‌عنوان

دکتر خزایی: چرا منار جام؟

دلیل اینکه من این موضوع را برای ارائه در این جلسه انتخاب کردم، این است که بخش زیادی از کار من روی نقوش و بناهای دوره اسلامی و قبل از اسلام است. زمانی که در تحقیقات و کارهای پژوهشی خودم به این مناره رسیدم، دیدم که ویژگی‌های خاصی دارد که این ویژگی‌ها را قبلاً در کمتر جایی دیده‌ام. طراحی دقیق و تناسب‌های به‌کاررفته در این اثر و همچنین ترکیب رنگ و نقوش آن، از جمله همین ویژگی‌هاست که بسیار بااهمیت و قابل توجه است.

همین خصوصیات منحصره‌فرد باعث شد که مدت دو سال روی شواهد و آثار این بنا کار کنم که حاصل آن کتابی شده که در حال چاپ است. شرح کامل این بررسی‌ها نیز ان‌شاءالله به‌زودی در دسترس علاقه‌مندان، پژوهشگران و هنرشناسان قرار خواهد گرفت.

این مناره در منطقه هلمن قرار دارد که در بخش مرکزی و کوهستانی کشور افغانستان و بین منطقه هرات و غزنی قرار دارد. این تک مناره در میان کوهستان واقع شده و شاید بتوان گفت کمتر از ۵۰ تا ۶۰ سال است که شناسایی شده و مورد توجه قرار گرفته است.

این اثر ارزشمند تاریخی، به‌عنوان تنها اثر تاریخی افغانستان، در سال ۱۹۸۱ در یونسکو به ثبت جهانی رسید. مناره جام را معماری به نام علی‌ابراهیم نیشابوری ساخته و این اثر شگفت‌انگیز نشان‌دهنده توانایی و قابلیت این معمار است. آثار هنری شاه زنده و شاه مشهد و نیز بخشی از مسجد جامع هرات دیگر آثار برجسته این معمار هنرمند هستند.

با عنایت به اینکه خطوط استفاده شده در بنا خطوط کوفی (بدون نقطه) هستند، برخی قدمت این بنا را ۵۷۰ سال و برخی دیگر ۵۹۰ اعلام کرده‌اند و البته، حدود سال ساخت آن بین همین دو عدد حدس زده می‌شود.

این مناره به دستور و اشاره غیاث‌الدین ابوالفتح محمد ابن سام، یکی از بزرگ‌ترین سلاطین غوری، ساخته شده است. لازم به توضیح است که غوریان از سال ۵۲۰ تا ۶۱۰ بر افغانستان آن زمان که از نیشابور تا لاهور در قلمرو آن بوده است، حکومت می‌کرده‌اند.

در طول مدت تحقیقات، ما با برخی مشکلات از جمله اختلاف‌نظرها و عدم قطعیت در مورد زمان و سال ساخت آن، معمار بنا و ارتفاع آن و همچنین کاربری مناره، روبه‌رو بودیم اما تلاش کردیم بر اساس شواهد و مدارک موجود، به نزدیک‌ترین

مقاله‌ای درباره منار جام نوشته است:

«... غیاث‌الدین محمد یکی از شاهان دودمان غوری در رجب سال ۵۵۸ ه. ق به سلطنت رسیده است. از بناهای معروف وی که خوشبختانه باقی مانده است، یکی منار جام است که به فرمان وی ساخته شده و در مرکز سرزمین غور، یعنی فیروزکوه، واقع است.

این بنا یکی از آثار پرارزش و زیبای قرن دوازدهم میلادی می‌باشد که از لحاظ هنر معماری، آجرکاری و کاشی‌کاری، یکی از بهترین شاهکارهای دوران اسلامی آن زمان به شمار می‌رفته است و اکنون نیز یکی از مراکز جهانگردی کشور دوست و هم‌جوار ما افغانستان به حساب می‌آید.

این بنای تاریخی از بلندترین نمونه‌های سبک خود بوده و به بلندی ۶۳ متر و قطر پایه هشت متر در کنار هریرود قرار گرفته است و تا بیست سال پیش، جز در افسانه‌ها، از وجود آن اطلاعی وجود نداشت. در سال مزبور یکی از باستان‌شناسان بلژیکی به نام آندره ماریک، عضو هیئت باستان‌شناسی فرانسه در افغانستان، و احمدعلی کهزاد رئیس انجمن تاریخی افغانستان در محل مزبور حاضر و مشغول کارهای علمی گردیدند.

منار جام در کنار هریرود و به‌صورت انفرادی قرار گرفته است و در اطراف آن جز آثاری که باستان‌شناسان در حفاری‌ها به دست آورده‌اند، اثری از ساختمان وجود ندارد و فقط در ارتفاعات کوه‌های دو سوی دره هریرود نشانه‌هایی از بقایای برج‌ها و باروها به چشم می‌خورد.

شهر فیروزکوه که امروز اثری از آن نمانده و این منار در آن قرار داشته است، به سبب سیل‌های متوالی و به‌ویژه در حمله مغول به کلی خراب و نابود شده است» (روشن‌ضمیر، ۱۳۵۷).

در همین زمینه دیگران نیز نوشته‌اند:

«... باستان‌شناسان روز هجدهم ۱۹۵۷ میلادی را به نام روز کشف منار جام تلقی می‌کنند. در همین روز، گروهی از باستان‌شناسان غربی به رهنمایی باستان‌شناس افغانستان احمدعلی کهزاد به خم دره در دهکده جام رسیدند که ناگهان با آن تجسم زیبایی روبه‌رو شدند. تماشای منار، آندره ماریک، باستان‌شناس فرانسوی را چنان شگفت‌زده ساخت که برای یک لحظه احساس می‌کرد با برج جادویی روبه‌رو شده است.

باستان‌شناسان بر این باورند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست بلکه این منار می‌تواند کلیدی در جهت گشودن رازهای دوره غوریان در افغانستان باشد» (میرغلام، ۱۳۵۹).

باستان‌شناسان بر این باورند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست بلکه این منار می‌تواند کلیدی در جهت گشودن رازهای دوره غوریان در افغانستان باشد



گمانه‌ها دست یابیم که به آن اشاره خواهیم کرد. در مجموع، ساخت مناره در دوران قبل از اسلام و دوران اسلامی خیلی مورد توجه بوده است. ما مناره‌های زیادی در قرون دوم، سوم، چهارم و پنجم داشته‌ایم که بسیاری از آن‌ها به دلیل اینکه از خشت خام ساخته می‌شده‌اند، در مقابل عوامل طبیعی و گذشت زمان مقاومت لازم را نداشته و از بین رفته‌اند. یکی از قدیمی‌ترین مناره‌هایی که بر جای مانده‌اند، مناره‌های غزنین است که از زمان سلطان محمود غزنوی و پسرانش مسعود سوم و سلطان بهرام بر جای مانده است. البته مقدسی می‌گوید قبل از این مناره‌ها دو مناره در زرنند ساخته شده است که سطح یکی از آن‌ها که به دستور یعقوب لیث ساخته شده، از مس بوده که البته اثری از آن باقی نمانده است.

قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مناره‌های ایران

قدیمی‌ترین مناره ایران هم مناره سنگ بست در نزدیکی مشهد است که به دستور ارسلان جاذب، از والیان دوران حکومت سلطان محمود غزنوی در طوس، ساخته شده است.

در قرن پنجم و ششم و در طول دوران حکومت سلجوقیان هم مناره‌های زیادی ساخته شده‌اند؛ از جمله مناره خسروگرد در نزدیکی شهر سبزوار. دو مناره هم در دامغان قرار دارد که مربوط به آل زیاد است. منار چهل دختران در شهر اصفهان نیز از آثار همین دوره است. منار زیار و منار ساریان نیز جزء همین مناره‌هاست که خیلی هم خوب ساخته شده‌اند و از چنان تکنیکی در ساخت برخوردار بوده‌اند که هم‌اکنون و بعد از گذشت ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال، همچنان پابرجا هستند.

در بین این مناره‌ها که مربوط به قرن پنجم و ششم هستند، منار جام و ویژگی‌های خاصی دارد؛ از جمله اینکه بزرگ‌ترین مناره‌ای است که با آجر ساخته شده است. البته قطب مناره هم که در همان زمان غیاث‌الدین ابوالفتح محمد با ۷۲ متر ارتفاع در شهر دهلی هندوستان با سنگ ساخته شده است، ظرافت و زیبایی منار جام را ندارد. همان‌طور که اشاره کردم، بر اساس تحقیقات من این مناره که علی ابن ابراهیم نیشابوری آن را ساخته، ۶۶ متر

ارتفاع واقعی دارد و ضمناً سال ساخت آن هم سال ۵۷۰ است.

کاربری مناره جام

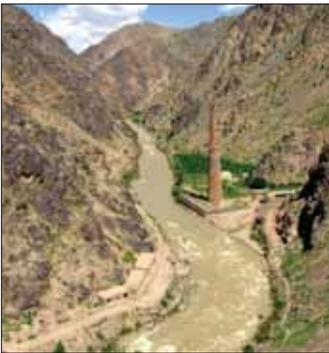
درباره کاربری آن هم به اعتقاد من این منار بخشی از مسجد جامع فیروزکوه بوده که به دستور امرای قبلی غوریان و سلطان غیاث‌الدین محمد ساخته شده است. بعد از تخریب مسجد در اثر سیل، این مناره که مقاومت خوبی داشته، بر جای مانده است.

در هر صورت، به کارگیری هنرهای بی‌بدیل اسلامی در ساخت این نما و به‌خصوص نمای بیرونی و چشم‌فریب آن نشان از تسلط سازنده منار بر هنر و به‌خصوص هنر معماری اسلامی و استفاده از نشانه‌هایی دارد که ضمن آفرینش زیبایی بصری و شکلی بنا، راز و رمزهای فراوانی با خود همراه دارند.

نمود ظاهری این بنای زیبا و چشم‌نواز نمایش بی‌همتایی از حرف «الف» است که با آجر با ذوق هرچه تمام‌تر روی هم چیده شده است. در زبان بصری هنر اسلامی حرف «الف» از مفاهیم نمایشی برخوردار است. در تفاسیر تاریخی حروف مقطعه، معانی نمادینی برای حرف الف در نظر گرفته‌اند. برای مثال، حرف «الف» به‌عنوان نمادی از الله یا انسان کامل، برخوردار از تمام مراتب تجلی را تداعی می‌کند. ابوالحسن دیلمی (م. ۳۹۱. ق.)، از صوفیان سده چهارم هجری ق. می‌گوید: «اصل هر امری وهمی و عقلی و حسی، حروف بیست و هشت‌گانه و بیست و نه‌گانه است. و آن بر هر چیزی دلالت دارد و از هر چیزی آشکار است. و اصل همه حروف الف است و دیگر حروف از آن پدید می‌آید و الف اشاره به توحید دارد.»

درباره ارتفاع منار جام در بین پژوهشگران اختلاف نظرهایی ملاحظه می‌شود. ارتفاع منار تاریخی جام را ۶۰ متر، ۶۳ متر و ۳۰ سانتی‌متر، ۶۵ متر و گاه ۷۰ متر اعلام می‌کنند. نظر به شواهد، بلندی منار می‌بایستی ۶۶ متر بوده باشد. دلیل آن هم این است که عدد ۶۶ از نظر مقدار در حروف ابجد معادل «الله» است. گفته شد نمود کلی مناره به شکل الف می‌باشد و الف دلالت بر اسم «الله» دارد.

نمود ظاهری این بنای زیبا و چشم‌نواز نمایش بی‌همتایی از حرف «الف» است که با آجر با ذوق هرچه تمام‌تر روی هم چیده شده است





شده است.

شکل مناره شبیه یک میل عمودی به ارتفاع ۶۶ متر، متشکل از پنج بخش است: پایه هشت وجهی، سه استوانه که روی پایه هشت وجهی استوارند و قطر آن‌ها به تدریج کاهش یافته است و یک مآذنه که پایه‌های آن با شش طاق جناقی باز توسط یک گنبد نیم‌کروی پوشانده شده و بر فراز رأس استوانه سوم قرار دارد. ساختمان داخلی مناره هم از دو استوانه بزرگ و کوچک تشکیل شده است.

پایه هشت وجهی مناره

اولین قسمت مناره که از سطح زمین شروع می‌شود، پایه هشت وجهی مناره است. ارتفاع پایه مناره ۷ تا ۸ متر است که در حال حاضر تنها حدود ۴ متر آن قابل دیدن است و بقیه آن با بالا آمدن سطح آب قابل رؤیت نیست. دیواره‌های این قسمت از مناره بیشترین میزان خرابی را دارد. کلمه «ابوالفتح» در ابتدای دیواره هشتم ثبت گردیده است که عبارت بعد از آن می‌بایستی محمد بن سام باشد. طبق متن دو کتیبه دیگر مناره، که به اسم و القاب سلطان اختصاص دارد، متن کامل کتیبه احتمالاً عبارت زیر بوده است: السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم غیاث الدین و الدین معزالاسلام و المسلمین ابوالفتح محمد بن سام.

بدنه هشت وجهی بر فراز پایه منار

این بدنه توسط دو ردیف آجر به صورت خفته - راسته که در بین آن‌ها یک بافت تزیینی گره چینی به صورت قطار بندی کار شده - از قسمت پایه جدا شده است. این بخش از ساقه مناره که کمی باریک‌تر از پایه مناره است، تا ارتفاع تقریبی ۱۸ متر به شمشه‌های آجری به شکل استوانه تغییر شکل پیدا می‌کند.

مشخصه‌های جغرافیایی منار جام

منار جام مهم‌ترین اثر باقی‌مانده از غوریان در ولایت کوهستانی غور در مرکز افغانستان است. این منطقه باستانی در فاصله تقریبی ۷۰ کیلومتری مرکز ولایت چغچران (ولایت فیروز کوه امروز) و ۲۱۵ کیلومتری شرق هرات، در دره‌ای به عمق ۱۹۰۰ متر بالاتر از سطح دریا در میان کوه‌های مرتفع (۳۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا) قرار دارد.

منار جام، ترکیبی جاودانه از حقیقت و رؤیا

این منار زیبا و اصیل برگرفته از هنر و معماری اسلامی در مکانی که آب رود جام به هریرود می‌پیوندد، در میان انبوهی از کوه‌های تیره‌رنگ، در شاکله زرین یک برج باوقار قد برافراشته است. در قسمت میانه آن، کمربندی از کاشی نیلگون نظرهارا به خود جلب می‌کند.

نفاست و ظرافت ساختمان که از واحدهای کوچک خشت پخته ساخته شده و بر روی ملات گچ وضع گردیده، نمایی زیبا و دیدنی به وجود آورده است. تزیینات متنوع و با هم متفاوت‌اند و این تنوع نقش‌ها، زیبایی بیشتری به مناره بخشیده است. هنگام تابیدن آفتاب بر سطح نقوش، اختلاف سطوح، سایه‌روشنی جادویی را ایجاد می‌کند و به منار شکلی ماورایی و رؤیایی می‌بخشد.

شکل و مناره ساختمان منار جام

منار جام از نظر معماری یکی از ظریف‌ترین بناهای سده ششم دوره اسلامی است که از آجر ساخته شده و تمام سطح خارجی آن با انواع آجر تراش نقش برجسته و کاشی فیروزه‌ای تزیین

این منار زیبا و اصیل برگرفته از هنر و معماری اسلامی در مکانی که آب رود جام به هریرود می‌پیوندد، در میان انبوهی از کوه‌های تیره‌رنگ، در شاکله زرین یک برج باوقار قد برافراشته است

کتیبه قرآنی

متن کل سوره مریم شامل ۹۸ آیه (۹۷۶ کلمه) داخل رشته نواری بر روی هشت قسمت بدنه به شکل کتیبه طویلی به صورت پیوسته و مسلسل از یک بخش به بخش دیگر ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، دیواره‌های هشت گانه این قسم منار با آیات قرآن شریف، سوره مریم، به صورت یک رشته بر اساس تک تک حروف که به صورت آجر تراش ساخته شده، روی هم سوار و چیده شده‌اند. هر حرف بر اساس کاربردش در کلمه، در فرم‌های متنوعی تراشیده یا قالب‌گیری شده است تا در جای مناسب خود به کار گرفته شوند. برای مثال، هنرمند حدود ۱۵ شکل مختلف «ب» (شامل «ب» تنها، «ب» چسیان و ...) طراحی کرده است تا در ساختار کلمه مناسب با وضعیت قرارگیری آن حروف چیده شود. این عمل شبیه حروف چینی سربی است به گونه‌ای که کلمات از در کنار هم چیدن حروف متحرک سربی حاصل می‌شوند.

آثار و برکات سوره

در تفسیر البرهان به نقل از پیامبر اسلام (ص) در فضیلت این سوره روایت شده است که اگر سوره مریم بر دیوار خانه‌ای نوشته شود، آن خانه از خطرات حفظ می‌شود و آنچه در خانه است در امنیت می‌باشد. شاید بتوان دلیل بقا و ماندگاری این بنا، آن هم در شرایط خاص آن منطقه، را همین موضوع دانست.

استوانه اول:

این استوانه که در بالای هشت وجهی تا بقایای تاج بزرگ مناره واقع است، در حدود ۱۴ متر ارتفاع دارد و به چهار بخش مجزا ولی به هم پیوسته شامل بخش‌های زیر تقسیم شده است: یک نوار تزئینی با نقوش گیاهی تکرار شونده، شمشه‌های آجری، کتیبه بزرگ با کاشی فیروزه‌ای و تزئینات برجسته آجری با نقوش اسلیمی (گیاهی).

استوانه دوم: بخش میانی مناره

دومین استوانه حدود شانزده متر ارتفاع دارد. سطح خارجی این قسمت از مناره با دو ردیف کتیبه و دو نوار تزئینی به صورت حلقوی که دورتادور آن را فرا گرفته، پوشیده است. هر دو کتیبه در میان دو نوار افقی با نقش‌های مروریدنشان به صورت برجسته قرار گرفته‌اند.

استوانه سوم

کوچک‌ترین میل استوانه‌ای منار حدود ۷ متر ارتفاع دارد و بر تارک آن قبه قرار دارد که عبارت آسمانی «اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله» روی آن نقش بسته است.

مأذنه

بالاترین قسمت مناره مأذنه است که به واسطه یک قبه (که سقف آن هم‌اکنون فروریخته) روی شش طاق قوسی باز قرار گرفته است و حدود چهار متر ارتفاع دارد.

ساختار درون منار

ساختمان درون منار برای تعبیه راه‌پله‌ها، از دو استوانه بزرگ و کوچک که تاج بزرگ مناره در میانه آن‌ها قرار گرفته، تشکیل شده است. ساختار استفاده از راه‌پله‌ها در دو قسمت متفاوت بوده است. ساختمان استوانه بزرگ درون مناره با ۳۸ متر ارتفاع توسط دیواره‌های عریض بیرونی که قطر آن از پایه ۹/۷ متر است و در قسمت بالا به ۶ متر کاهش پیدا می‌کند، احاطه شده است.

پله‌های استوانه دوم از تاج (رواق) بزرگ که در بالاترین سطح استوانه بزرگ قرار دارد، شروع می‌شود. این قسمت، نسبت به قسمت پایین استوانه باریک‌تر و ارتفاع کمتر دارد و مرکز آن تهی هم است و دیواره آن به چهار پشتواره نگاه‌دارنده (شمع) تکیه دارد.

ابعاد نمادین تزئینات منار جام

ابوالمفاخر باخرزی در کتاب «اوراد الاحباب و فصوص الاداب» درباره معنای مناره می‌گوید: «عبارت است از شهرت و اسم و رسم و ناموس و خویش‌نمایی، یا خود را به نوعی و مرتبه‌ای یا مقامی معروف و مشهور کردن و بر آن ثابت بودن.» اگر به دقت به این مناره بنگریم به این نتیجه می‌رسیم. شکل ظاهری بنا نمایی از قدرت سیاسی است و در مهم‌ترین بخش‌های مناره نام سلطان خودنمایی می‌کند. علاوه بر این ظاهر آراسته و زیبا، معمار پیام اصلی این بنا را در تزئینات پیچیده و رمزگونه آن گنجانده است. نقوش و کتیبه‌ها علاوه بر شکل ظاهر در قالب اعداد و حروف نمادپردازی و با کاربرد نمادین مفاهیم بروز و ظهور یافته‌اند.

معمار منار

بر اساس اسناد بنا عده‌ای آن را «عمل علی ابن



از پیامبر اسلام (ص)
روایت شده است
که اگر سوره مریم
بر دیوار خانه‌ای
نوشته شود، آن خانه
از خطرات حفظ
می‌شود و آنچه در
خانه است در امنیت
می‌باشد. شاید بتوان
دلیل بقا و ماندگاری
این بنا، آن هم در
شرایط خاص آن
منطقه، را همین
موضوع دانست

انواع گره چینی دیواره هشت وجهی منار و تزیینات پس زمینه آن

با حرکت نوارهای کتیبه به خط کوفی حاوی متن کامل سوره مریم از بخشی به بخش دیگر و درهم تنیدن نوار و گره خوردن آن، چهل سطح هندسی شامل بیضی، مربع، مستطیل، ستاره هشت وجهی و ... در این قسمت از مناره تشکیل شده است که با چهارده نقش متنوع هندسی بر اساس نوع چیدمان آجرها تزیین شده‌اند.

نقش «لا» در تزیینات منار جام

در حرکتی سیال و در یک رشته کتیبه، آیاتی از سوره مریم بر بدنه هشت وجهی منار جریان پیدا کرده است. در این کتیبه علاوه بر ایجاد دوازده نقش «لا»- منطبق بر حروف دوازده گانه کلمه لا اله الا الله- از تلاقی نوار کتیبه، اسم «الله»، دو مرتبه در سطوح هشت گانه قاب‌ها تکرار شده است که یکی در جبهه شرقی به شکل محراب و در جهت قبله مناره و دیگری در جبهه غربی منار، شکل گرفته است. از محل این تلاقی‌ها و در گوشه راست محراب اسم «محمد» نیز حاصل آمده است. با طراحی نقش «لا» در بیشتر اماکن مذهبی، هنرمندان علاوه بر حفظ مفاهیم نمادین با توجه به شکل متقارن این نقش و همسانی سطوح سیاه‌وسفید، با تکرار آن به تزیین و ایجاد تعادل و تقارن در بنا و دیگر آثار هنری پرداخته‌اند. ایجاد تعادل، تقارن و تناسب از اصول زیبایی‌شناسی هنر اسلامی است. ضمناً احساس تعادل یکی از نیازهای مهم بشر در طول زندگی است. تکرار نقش «لا» به صورت انتزاعی با ایجاد نظم و تعادل، لطافت و آرامشی روحانی را عرضه می‌دارد.

ضمناً استفاده از نقش «لا» در تزیینات بناهای این دوره سابقه‌ای طولانی دارد. این نقش در تزیینات آجری مناره‌ها و مساجد بسیاری در آن دوره مشهود است. برای مثال، نقش «لا» در تزیینات آجری مسجد ملک زوزن از جایگاه مهمی برخوردار است. این مسجد بزرگ که امروزه از آن اثر چندانی باقی نمانده، دارای تاریخ ۶۱۶ هجری است. مسجد توسط ملک زوزن، یکی از رجال نامدار دوران سلطنت خوارزمشاهیان، در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب خواف در خراسان ساخته شده است.

اساساً به دلیل نقش نمادین «لا» در هنر اسلامی، در مناره جام از آن در شکل‌ها و نقوش مختلفی استفاده شده و این نشان‌دهنده عمق نمادپردازی در تزیینات هنر اسلامی در این اثر ارزشمند تاریخی و اسلامی است.

ابراهیم آل [نیش] ابوری المع [ما] ریخ [ر] اسا [ن] «خوانده‌اند.

برداشت دیگر از این نوشته، «عمل علی بن ابراهیم النیشابوری المقیم بیخراسان» می‌باشد. این شیوه (استفاده از واژه المقیم) در کتیبه بعضی از بناها و دیگر آثار هنری دیده می‌شود. برای مثال، در کتیبه مقبره عبدالصمد در نطنز، که در سال ۷۰۷ هجری بنا شده، در زیر مقرنس داخل گنبد، بعد از اسم کلمه المقیم به خط ثلث آمده است: «هذه البقعه المشرفه مزار الشيخ... عبدالصمد ابن علی الاصفهانی المقیم بنطنز... فی سبع و سبع مائه» (۷۰۷ هجری).

از نمونه‌های دیگر می‌توان به کتیبه حاشیه کاسه زرین فام سده هفتم هجری کاشان موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن اشاره کرد که در آن اسم هنرمند به صورت «کاتبه محمود بن محمد النیشابوری المقیم بقاشان» آمده است.

تاریخ ساخت

بر فراز مربع بزرگ، هنرمند کتیبه‌ای که تاریخ ساخت بنا در آن درج شده، قرار داده است: «تاریخ سنه سبعین و خمسمائة» (سال ۵۷۰/۱۱۷۴ م). در بعضی از نوشته‌ها با توجه به نبود علائم نقطه‌گذاری، تشخیص سبعین (۷۰) از تسعین (۹۰) دشوار است.

کتیبه مسجد جامع هرات

«تاریخ شهر الله المبارک رمضان سنه سبع و تسعین و خمسمائة» (۵۹۷ ه.ق/ ۱۲۰۰ م). در این نوع خط کوفی، ابتدا حرف سین به حرف ب وصل شده و بنابراین، تاریخ صحیح سبعین (۷۰) و تاریخ صحیح ساخت منار سال ۵۷۰ است.

تزیینات سطح دیواره

هشت وجهی مناره

اشاره شد که دیواره هشت وجهی مناره در حقیقت پرکارترین بخش مناره است و بیشترین تزیینات و کتیبه‌های بنا را در خود جای داده است. کتیبه قرآنی مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده تزیینات این بخش از منار است. متن کل سوره مریم به خط کوفی داخل رشته‌ای نواری شکل چیده شده و با امتداد آن و با ایجاد گره، در سطوح هشت گانه اشکال متنوعی به صورت پیوسته ایجاد کرده است.

دیواره

هشت وجهی
مناره در حقیقت
پرکارترین بخش
مناره است و
بیشترین تزیینات
و کتیبه‌های بنا
را در خود جای
داده است

پی‌نوشت

1. Andre Maricq

منابع

۱. حیدری، محمدمهدی. (۱۳۸۷). جستاری در باب منار، هنر و معماری: معماری و شهرسازی، شماره ۳۴.
۲. روشن‌ضمیر، مهدی. (۱۳۵۷). به آثار غوریان، مجله بررسی‌های تاریخی، مهر و آبان، شماره ۷۸.
۳. میرغلام، محمد غبار. (۱۳۵۹). افغانستان در مسیر تاریخ (جلد اول، چاپ دوم). قم: ایران‌اسد.